آنگاه عیسی به شاگردان خود گفت: اگر کسی خواهد متابعت من کند، باید خود را انکار کرده و صلیب خود را برداشته، از عقب من آید.

متی ۱۶: ۲۴

خدا بیرون رانده شده است!

پیش از آن که خداوند انسان را بر روی زمین خلق کند، ابتدا دنیایی کارآمد و چیزهایی شادی‌بخش را برای لذت و زندگی او آماده ساخت. در گزارشی که کتاب پیدایش از خلقت به ما ارائه می‌دهد، همه این‌ها فقط «هر چیزی» خطاب شده‌اند. این چیزها برای استفاده انسان ساخته شدند و همیشه خارج از انسان و برای خدمت به او در نظر گرفته شدند. در اعماق قلب انسان مکانی مقدس وجود داشت که هیچ شخصی به جز خداوند شایستگی ورود به آن را نداشت. در درون این مکان خداوند قرار داشت و در بیرون از انسان هزاران هدیه‌ای که خداوند همچون باران بهاری بر او می‌بارانید...

بدبختی‌ها و فلاکت ما از زمانی آغاز شد که خدا از معبد مرکزی و اصلی خود بیرون رانده شد و چیزهای دیگر اجازه یافتند به آن‌جا وارد شوند. همه چیز در درون قلب انسان همه جا را تسخیر کرد. اکنون دیگر به صورت ذاتی و طبیعی هیچ آرامشی در درون قلب انسان وجود ندارد چون خداوند دیگر با تاج سلطنتش در آن‌جا ساکن نیست بلکه در عوض، اخلاقیاتی پست و غاصبانی متجاوز با یکدیگر می‌جنگند تا جایگاه اول بر این تخت سلطنت را تصاحب کنند...

ریشه‌های قلب ما در «چیزها» رشد کرده‌اند و ما تا وقتی که بمیریم، جرأت نداریم حتی ریشه‌ای کوچک را از جای خود خارج کنیم. «همه چیز» برای ما حیاتی و ضروری شده است در صورتی که در ابتدا این چنین نبود. اکنون هدایای خداوند جای خود او را گرفته‌اند و تمام خلقت از این جایگزینی شیطانی و عظیم در رنج و اندوه به سر می‌برد.

## ای پدر آسمانی، لطفاً مرا از وابستگی به مادیات رها کن. اگر می‌خواهی چیزی کاملاً از من جدا شود، لطفاً میل، خواست و اراده رها کردنش را در من قرار بده و کمکم کن تا تسلیم بودن به اراده تو را تمرین کنم. آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*